




University of Tehran Press

The Necessity of Limiting the Absolute Sovereignty of States over Natural Resources in light of Sustainable Development

Seyed Bagher Mirabbasi¹ | Keivan Eghbali²

1. Corresponding Author; Prof., Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mirabbasi@ut.ac.ir
2. Phd in International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. Email: Keivan_eghbali@yahoo.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	<p>Sustainable development is an approach to development whereby economic, social and environmental considerations are taken into account in order to ensure that present as well as future generations continue to enjoy the benefits of development. This approach is directly related to the realization of human rights in the development process. Non-conformance to environmental considerations in the process of development has adverse effects on human rights. However, a human rights-oriented approach to development will provide the necessary basis for ensuring environmental considerations in economic development. Although the exercise of full sovereignty by states over their natural resources and national development programs is accepted by the international community, this approach has some adverse trans-boundary environmental effects, which impact the human rights of affected communities. Restricting the absolute sovereignty of states in the exploitation of their natural resources, as well as in the formulation of their national development plans in line with environmental considerations, is necessary so as to guarantee the promotion of human rights in the development process.</p>
Pages: 557-577	
Received: 2020/11/18	
Received in revised form: 2021/05/17	
Accepted: 2021/09/25	
Published online: 2023/06/22	
Keywords: <i>sustainable development, human-rights oriented approach, absolute sovereignty of states over natural resources, absolute sovereignty of states over national development programs.</i>	
How To Cite	Mirabbasi, Seyed Bagher; Eghbali, Keivan (2023). The Necessity of Limiting the Absolute Sovereignty of States over Natural Resources in light of Sustainable Development. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (2), 557-577. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.311993.2597
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.311993.2597
Publisher	University of Tehran Press. 



ضرورت محدودسازی حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی در پرتو توسعه پایدار

سید باقر میرعباسی^۱ | کیوان اقبالی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استاد تمام دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mirabbasi@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: Keivan_eghbali@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۵۵۷-۵۷۷</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار، رویکرد حقوق بشر محور، حاکمیت مطلق دولت‌ها بر منابع طبیعی، حاکمیت مطلق دولت‌ها بر برنامه‌های ملی توسعه.</p>	<p>توسعه پایدار رهیافتی نسبت به توسعه است که در آن ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی به‌صورت نوآمان مورد توجه قرار می‌گیرد تا امکان تلاوم برخورداری از مواهب توسعه برای نسل حاضر و همچنین نسل‌های آینده تضمین شود. رهیافت مزبور پیوند مستقیمی با تحقق حقوق بشر اعضای جامعه در فرایند توسعه دارد، به‌نحوی که نه تنها عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی موردنظر در توسعه پایدار آثار منفی بر تضمین حقوق بشر افراد جامعه دارد، بلکه موفقیت در پیشبرد رویکرد حقوق بشر محور در توسعه، بستر لازم برای تضمین ملاحظات محیط زیستی را مهیا خواهد کرد. در این زمینه، اگرچه امروزه اعمال حاکمیت آزادانه دولت‌ها بر استخراج منابع طبیعی همچنین برنامه‌های توسعه ملی خویش، اصلی مورد پذیرش جامعه بین‌المللی به‌شمار می‌رود، برخی آثار فرامرزی نامطلوب محیط زیستی ناشی از این اعمال حاکمیت که به نوبه خود آثار مخربی بر تأمین حقوق بشر اعضای جوامع تحت تأثیر بر جای می‌گذارد؛ ایجاد محدودیت در اعمال حاکمیت مطلق دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی همچنین در تلویین و اجرای برنامه‌های توسعه را در راستای مطابقت با ملاحظات محیط زیستی، به‌عنوان بستری مهم در تضمین پیشبرد رویکرد حقوق بشری در فرایند توسعه جوامع دیگر، ضروری می‌نماید.</p>
استناد	میرعباسی، سیدباقر؛ اقبالی، کیوان (۱۴۰۲). ضرورت محدودسازی حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی در پرتو توسعه پایدار. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۲)، ۵۵۷-۵۷۷ DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.311993.2597
DOI	10.22059/JPLSQ.2021.311993.2597
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

اجرای سیاست‌های مبتنی بر دیدگاه کلاسیک از توسعه، با ایجاد موج گسترده‌ای از تخریب محیط زیست، جامعه بین‌المللی در کلیت آن را وادار کرده تا با هدف رعایت ملاحظات زیست‌محیطی همچنین پایداری منابع طبیعی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، به بازتعریف خود از مفهوم توسعه مبادرت ورزد. تولد مفهوم توسعه پایدار ماحصل این بازیابی است و در چارچوب آن تلاش شده است تا با ادغام ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، تداوم توسعه به صورت ماندگار به نحوی که برخورداری از مواهب توسعه نه تنها برای نسل حاضر، بلکه بر نسل‌های آینده نیز تضمین شود، فراهم شود. در همین زمینه و با عنایت به همه‌جانبه بودن توسعه موردنظر در توسعه پایدار، اندکاندک جایگاه تضمین حقوق بشر شهروندان در چارچوب توسعه پایدار هم مورد توجه صاحب‌نظران این عرصه قرار گرفت و مشخص شد که رابطه حقوق بشر و مباحث توسعه پایدار رابطه‌ای عمیق و دوسویه محسوب می‌شود. آشکار شدن وجود چنین پیوند عمیقی میان تضمین حقوق بشر و تحقق توسعه پایدار موجب شده است تا امروزه ضرورت توجه به حقوق بشر در مسیر دستیابی به توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی مرتبط با برداشت مذکور از توسعه همچون سند اهداف توسعه پایدار، مورد تأکید و توجهی اساسی واقع شود.

پیوند یافتن رعایت ملاحظات زیست‌محیطی با رعایت حقوق بشر در فرایند توسعه، اقتضا می‌کند تا در چارچوب گفتمان توسعه پایدار و هنگام بررسی تأثیرات محیط زیستی عملکرد دولت‌ها در پیشبرد مسیر توسعه جامعه تحت حاکمیت خود، عملکرد محیط زیستی آنها از منظر تأثیرگذاری بر تضمین حقوق بشر انسان نیز بررسی شود. در این میان آثار برون‌مرزی اعمال برخی از مهم‌ترین اصول کلاسیک در حقوق بین‌الملل توسعه، مانند حق اعمال حاکمیت مطلق دولت‌ها بر بهره‌برداری از منابع طبیعی خویش همچنین اختیار کامل آنها در تنظیم و پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی خود بر محیط زیست دیگر جوامع و به تبع آن حقوق بشر اعضای جوامع مذکور، از جمله مهم‌ترین موارد نیازمند بررسی به‌شمار می‌روند؛ مسئله‌ای که در تحقیق حاضر سعی بر ارزیابی آن شده است. به عبارت دیگر، در تحقیق حاضر سعی شده تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا ایجاد تبعات برون‌مرزی زیانبار ناشی از اعمال حاکمیت مطلق دولت‌ها بر منابع طبیعی و برنامه‌های ملی توسعه خود در رابطه با محیط زیست جوامع دیگر، مستلزم محدودسازی این اعمال حاکمیت در راستای رعایت ملاحظات محیط زیستی مدنظر در رویکرد حقوق بشرمحور در چارچوب توسعه پایدار، با هدف تضمین چنین رویکردی در مسیر توسعه جوامع تحت تأثیر تبعات مذکور محسوب می‌شود یا خیر؟

بر این مبنا و پس از ارائه تعریفی مفهومی از توسعه پایدار، به نقش و جایگاه تضمین ملاحظات موردنظر در این برداشت از توسعه بر تضمین حقوق بشر در فرایند توسعه و همچنین تأثیرگیری متقابل

آن از تضمین تحقق مصادیق حقوق بشر پرداخته شده و سپس نظم نوین اقتصادی بین‌المللی مطرح شده در چارچوب حقوق بین‌الملل توسعه و اصل شاخص آن یعنی حق حاکمیت کامل دولت‌ها بر منابع طبیعی و برنامه‌های ملی توسعه خویشتن بررسی خواهد شد. در ادامه آثار زیانبار فرامرزی اعمال حاکمیت کامل دولت‌ها بر منابع طبیعی و برنامه‌های ملی توسعه خود بر محیط زیست جوامع دیگر، با عنایت به تأثیرات منفی آن بر تضمین حقوق بشر اعضای جوامع مزبور در فرایند توسعه جامعه ارزیابی و سعی در ارائه پاسخ به پرسش اصلی تحقیق خواهد شد.

۲. توسعه پایدار و ضرورت رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در توسعه

در دهه‌های اخیر، نتایج نامطلوب اجرای برنامه‌های توسعه در سطح ملی و تخریب نگران‌کننده محیط زیست و منابع طبیعی، جامعه بین‌المللی را به ارزیابی و بازبینی نحوه مدیریت منابع در مسیر توسعه، به منظور لحاظ کردن ملاحظات محیط زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه واداشته است (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۴۵). به عبارت بهتر، همان‌گونه که نهاد داوری در قضیه آهن راین^۱ اعلام کرده، امروزه ادغام ملاحظات زیست‌محیطی مقتضی با اقدامات مرتبط با اجرای برنامه‌های توسعه به یک ضرورت در چارچوب حقوق بین‌الملل تبدیل شده است (Sands, 2012: 215). توسعه پایدار را می‌توان توسعه‌ای دانست که در آن نیازهای نسل حاضر بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان با مخاطره روبه‌رو شود، تأمین خواهد شد (Emas, 2015: 1).

این در حالی است که در توسعه به مفهوم کلاسیک آن، تمرکز بر استفاده حداکثری از منابع طبیعی بدون توجه به منافع نسل‌های فعلی و آینده قرار گرفته است (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). در توسعه پایدار، تمامی ملاحظات اعم از محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی مورد توجه واقع شده تا در این سه حوزه مستقل که بی‌توجهی در هر یک به حوزه دیگر، موجب تخریب گسترده محیط زیست کره زمین را فراهم کرده، نوعی سازگاری و هماهنگی ایجاد شود (رضانی قوام‌آبادی و شفیق فرد، ۱۳۹۵: ۲۴۵).

در توسعه پایدار، تضمین تداوم توسعه به صورت ماندگار به نحوی که برخورداری از مواهب توسعه را نه تنها برای نسل حاضر، بلکه بر نسل‌های آینده نیز تضمین کند، تنها در صورتی میسر خواهد بود که نوعی هماهنگی میان فعالیت‌های مرتبط با توسعه و محیط زیست پیرامون به وجود آمده باشد؛ بی‌توجهی به محیط زیست در برنامه‌های ملی توسعه، عواقب وخیمی برای توسعه جوامع در بسیاری حوزه‌ها همچون تأمین امنیت

غذایی یا بهداشتی و یا حتی تأمین اشتغال مناسب به دنبال خواهد داشت. برای مثال، استفاده از روش‌های غیراصولی در کشاورزی، همچون آبیاری غیرعلمی یا استفاده بی‌رویه از کودهای شیمیایی به فرسایش خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن و آلودگی منابع زیرزمینی آب منجر خواهد شد؛ مسئله‌ای که در نهایت با گذاشتن تأثیر منفی بر سطح تولید محصولات کشاورزی، می‌تواند به کمبود مواد غذایی منتهی شود. (The World Commission on Environment and Development, 1987:106-107).

تأثیرات منفی تخریب محیط زیست بر اثر اعمال برنامه‌های نادرست توسعه، نه تنها اهداف موردنظر در توسعه اقتصادی همچون بالا بردن سطح امنیت غذایی را با ناکامی روبه‌رو خواهد کرد، بلکه با نابود کردن منابع زیست مردم در حوزه‌هایی همچون کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری... به‌ویژه با ایجاد معضلاتی همچون فرسایش خاک، هجوم گسترده‌تر آفات، بالا آمدن سطح آب دریاها و به‌تبع آن افزایش کمبود مواد غذایی، بیکاری، مهاجرت اجباری و... خود به عاملی تهدیدکننده در تداوم روند توسعه و ثبات اجتماعی جوامع تحت تأثیر تبدیل خواهد شد. به‌طور کلی و در مقام توصیف پایداری به‌عنوان ویژگی اساسی توسعه پایدار، می‌توان گفت که پایدار بودن توسعه وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نخواهد کرد؛ توسعه پایدار نوعی عدالت توزیعی است که مراد از آن تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده از یک‌سو و عام‌الشمول بودن آن (برخورداری همگانی در درون یک نسل از فرصت‌های موجود) از سوی دیگر است (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۴۷). می‌توان گفت که امروزه نه تنها در بسیاری از معاهدات بین‌المللی و نیز محاکم بین‌المللی به مفهوم توسعه پایدار توجه شده است، بلکه تردید اندکی در ورود مفهوم مذکور به حوزه حقوق بین‌الملل عرفی هم وجود دارد (میرعباسی و میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در توسعه و نقش مخرب آن بر تضمین حقوق بشر بررسی اسناد بین‌المللی مرتبط با توسعه پایدار، حکایت از آن دارد که امروزه ضرورت توجه به حقوق بشر در مسیر دستیابی به توسعه پایدار مورد تأکید و توجهی اساسی قرار گرفته، چراکه شواهد حاکی از آن است که تخریب محیط زیست تأثیر نامطلوبی بر کیفیت زندگی انسان و به‌ویژه استیفای وی از حقوق بشر خود خواهد داشت (میرعباسی و میرعباسی، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

در این زمینه، برای نمونه دادگاه آمریکایی حقوق بشر در نظر مشورتی خود در سال ۲۰۱۷ در خصوص محیط زیست و حقوق بشر به‌صراحت بر آثار زیانبار تخریب محیط زیست بر دسترسی انسان‌ها به حقوق بشر خویش تأکید می‌کند (The Inter-American Court of Human Rights, 2017: 47). از منظر دادگاه، وجود محیط زیستی مساعد در مطابقت با استانداردهای حداقلی در نظر گرفته شده برای آن، شرط لازم برای تحقق برخی از بنیادی‌ترین مصادیق حقوق بشر است (IACHR, 2017: 49).

استیفای حق حیات و برقراری امکان بقای نسل فعلی و تمهیدات حیات برای نسل‌های آتی نیازمند آن است که وضعیت نامساعد کنونی، ناشی از آلودگی و تخریب در محیط زیست تغییر یافته و کیفیت این محیط بهبود یابد. بنابراین حق بشریت بر محیط زیست سالم، مقدمه‌ای بر استیفای کامل حیات و پیش‌نیازی برای حقوق بشر است (شیرازیان و حیدری، ۱۳۹۸: ۳۸).

به عبارت بهتر، عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی، عواقب وخیمی بر برخورداری نوع بشر از حق بر حیات، حق بر غذا، حق بر دسترسی به آب آشامیدنی سالم، حق بر برخورداری از مسکن مناسب و بسیاری از دیگر مصادیق حقوق بشر برجای می‌گذارد (Knox, 2013: 17-22).

برای نمونه، از بین رفتن حاصلخیزی خاک به دلیل رعایت نکردن ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه توسعه کشاورزی و استفاده بی‌رویه از آفت‌کش‌ها، در نهایت به کاهش قابلیت تولید زمین‌های کشاورزی و کاهش تولید مواد غذایی منجر خواهد شد؛ مسئله‌ای که می‌تواند با ایجاد کمبود مواد غذایی، به نقض حق افراد برای دسترسی به غذای کافی منجر شود (Elver, 2017: 9). به‌عنوان مثالی دیگر، می‌توان به آلودگی هوا، آب یا خاک بر اثر رشد صنایع آلاینده اشاره کرد که به ایجاد تهدیدی جدی در ارتباط با سلامت افراد ساکن در مناطق آلوده و در نتیجه در معرض تهدید قرار گرفتن حق بر سلامت یا حتی حق بر حیات ایشان منجر شده است (Adel Ghorani & Riahi-Zanjai, 2016: 65).

تضمین حیات تنها زمانی امکان‌پذیر است که بستر و محیط لازم برای زندگی پایدار توسط انسان‌ها وجود داشته باشد (شیرازیان و حیدری، ۱۳۹۸: ۳). در این زمینه و به موجب برخی آمار، سالانه مرگ دو میلیون نفر و ابتلای هزاران نفر دیگر به انواع بیماری‌ها، به آلودگی‌های محیط زیستی نسبت داده می‌شود (کولاسویا و رابینسون، ۱۳۹۰: ۷۵۱). همچنین باید به گرم‌تر شدن دمای کره زمین و به تبع آن ذوب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح دریاها بر اثر انتشار گازهای گلخانه‌ای که خود حاصل استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی است، اشاره کرد؛ پدیده‌ای که با به زیر آب بردن مناطق ساحلی و وادار کردن ساکنان این نواحی به مهاجرت اجباری و با از بین بردن محل سکونت و اشتغال این افراد، موجبات نقض حق بر مسکن مناسب و یا اشتغال شایسته ایشان را فراهم می‌سازد (United Nations High Commissioner for Human Rights, 2009:36).

امروزه تغییرات آب و هوایی را هم باید در زمره چالش‌های پیش‌روی تحقق حقوق بشر محسوب کرد (Akram, 2017: 11). بر این اساس، اتخاذ رهیافت توسعه پایدارمحور هنگام تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، نقشی مهم در حفاظت از حقوق بشر افراد برجای خواهد گذاشت، چراکه همان‌گونه که

اشاره شد، عدم توجه همه‌جانبه به ملاحظات زیست‌محیطی در سیاستگذاری‌های توسعه، می‌تواند عواقب بسیار ناگواری در زمینه تضمین حقوق بشر افراد در پی داشته باشد.

۱.۲. تضمین حقوق بشر در توسعه و نقش آن در تحقق توسعه پایدار

ادغام کردن ملاحظات حقوق بشری در ملاحظات توسعه پایدار می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد به‌منظور موفقیت بیشتر در پیشبرد مسیر موردنظر در برداشت مذکور از توسعه به کار گرفته شود. بر این اساس و بر مبنای نوعی رویکرد طبیعت‌محور، می‌توان به‌جای آنکه محیط زیست را صرفاً ابزاری برای تحقق حقوق بشر تلقی کرد، تحقق برخی حق‌های بشری را هم‌لازمه نیل به محیط زیست سالم به‌شمار آورد (مشهدی، ۱۳۹۲: ۶۹). با عنایت به درج بسیاری از مصادیق حقوق بشر در معاهدات الزام‌آور بین‌المللی همچون میثاق حقوق سیاسی و مدنی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تأکید بر پیوند اهداف موردنظر در توسعه پایدار با مصادیق حقوق بشر مرتبط با آنها، گامی مؤثری در وادار کردن دولت‌ها به تلاش بیشتر در جهت حرکت در مطابقت با اهداف مذکور تلقی می‌شود (Center for International Sustainable Development (Law, 2002: 1-2) معاهدات الزام‌آور حقوق بشری همچنین نهادهای نظارتی مرتبط با آنها را باید ابزارهایی سودمند در مسیر متعهد ساختن دولت‌ها به رعایت ملاحظات محیط زیستی به‌شمار آورد. برای نمونه می‌توان به مصادیق ذکرشده در اسناد الزام‌آور مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد؛ حقوقی که تضمین بسیاری از آنها ارتباط مستقیمی با ملاحظات مدنظر در توسعه پایدار دارد و می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند در مسیر وادار کردن دولت‌ها به در نظر گرفتن ملاحظات محیط زیستی در استراتژی‌های توسعه به کار رود. در این زمینه می‌توان به حق بر غذا و حق بر برخورداری از مسکن مناسب و همچنین حق بر سلامت اشاره کرد (A/RES/2200 A (XXI), 1966, Arts. 11-12).

التزام دولت‌ها به تضمین حقوق ذکرشده در چارچوب میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، راهکاری بسیار مؤثر به‌منظور وادار کردن دولت‌ها برای لحاظ کردن ملاحظات محیط زیستی تأثیرگذار بر تضمین این حقوق هنگام تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه به‌شمار می‌رود. به‌عبارت بهتر، تخریب محیط زیست بر اثر نادیده گرفته شدن ملاحظات محیط زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه، عامل مهمی در نقض حقوق افراد در حوزه‌هایی همچون حق بر غذا، حق بر سلامت، حق بر اشتغال و حق بر برخورداری از مسکن مناسب به‌شمار می‌رود و می‌تواند موجبات مسئولیت و محکومیت دولت‌ها نزد مراجع حقوق بشری را فراهم سازد.

امروزه توجه به اهمیت تضمین مصادیق حقوق بشر در تحقق ملاحظات توسعه پایدار به چنان جایگاهی دست یافته است که برخی سخن از شکل‌گیری حقی جدید با عنوان حق بر محیط زیست

سالم^۱ به میان آورده‌اند. این حق را می‌توان نتیجه غیرقابل اغماض حقوق اساسی و بنیادین بشر به‌شمار آورد؛ حق بر وجود و هستی، حق بر تنفس، حق زیستن و زندگی از حقوقی‌اند که در بستر زیست‌محیطی حاصل می‌شوند (فیروزپور، ۱۳۹۷: ۲۴۸).

حق بر محیط زیست سالم در صورت شناسایی در چارچوب یک سند بین‌المللی الزام‌آور^۲، خود به عنصر مهمی در پیشبرد اهداف توسعه پایدار تبدیل شده است، چراکه موجب خواهد شد تا از این پس رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌های توسعه و ادغام آن با ملاحظات اقتصادی و اجتماعی نه از طریق تأکید بر تضمین دیگر مصادیق حقوق بشر، بلکه با تکیه بر لزوم رعایت ملاحظات مزبور به‌عنوان جزئی از تعهدات مقرر برای دولت‌ها در ارتباط با یک حق بشری خاص، یعنی حق بر محیط زیست سالم میسر شود.

۳. استعمارزدایی و ظهور مفهومی با عنوان حقوق بین‌الملل توسعه

حقوق بین‌الملل توسعه به‌عنوان شاخه‌ای مستقل از حقوق بین‌الملل اقتصادی، محصول دوران پس از پایان جنگ جهانی دوم به‌ویژه فرایند استعمارزدایی دهه‌های شصت و هفتاد میلادی است. مجموعه قواعدی که اگرچه تاکنون تعریف دقیقی از آن به‌عمل نیامده، به‌نظر می‌رسد که به‌سبب تأکید بر وارد کردن قواعد مرتبط با مسئله توسعه در روابط اقتصادی میان دولت‌ها، با گستره‌ای از موضوعات مختلف همچون حق بر تعیین سرنوشت اقتصادی، حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، موافقت‌نامه‌های تجارت جهانی و... مرتبط است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۱: ۴۸).

۳.۱. حقوق بین‌الملل توسعه و مطرح شدن نظم نوین اقتصادی بین‌المللی

طرح جدی مباحث مرتبط با حقوق بین‌الملل توسعه به دوران پس از جنگ جهانی دوم و استقلال سرزمین‌های تحت سلطه قدرت‌های استعماری سابق باز می‌گردد؛ در این دوران نه‌تنها دولت‌های نوظهور، بلکه دیگر دولت‌های در حال توسعه نیز در تکاپو به‌منظور تحکیم جایگاه خویش در جامعه بین‌المللی، استقلال واقعی را نه در صرف استقلال سیاسی، بلکه همچنین در برخورداری از حق بر تعیین سرنوشت اقتصادی و کسب استقلال در این حوزه جست‌وجو می‌کردند. از دید این کشورها نظم اقتصادی شکل گرفته بر مبنای اصول کلاسیک اقتصاد لیبرال-سرمایه‌داری در سده نوزدهم به‌هیچ‌وجه رفع‌کننده

1. Right to a Healthy Environment.

۲. علی‌رغم عدم شناسایی رسمی حق بر محیط زیست سالم در اسناد جهانی الزام‌آور در حوزه حقوق بشر، حق مزبور در برخی اسناد منطقه‌ای همچون منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و قوانین اساسی بیش از یکصد دولت شناسایی شده است.

نابرابری‌های موجود میان دولت‌های فقیر و غنی تلقی نمی‌شود، بنابراین به نظمی نوین نیاز است تا در تلاش برای طی کردن مسیر توسعه توسط جوامع فقیرتر به کار گرفته شود (Bedjaoui, 1979: 113).

به نظر می‌رسد که سال ۱۹۷۴ را باید سال اوج تکاپوهای دولت‌های جهان سوم به‌منظور تدوین و اعلام اصول مرتبط با نظم اقتصادی بین‌المللی مطلوب خویش محسوب کرد؛ سالی که در آن دو قطعنامه^۱ استقرار نظم نوین اقتصادی بین‌المللی^۱ (مورخ ۱ مه ۱۹۷۴) و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها^۲ (مورخ ۱۷ دسامبر همان سال) به تصویب مجمع عمومی ملل متحد می‌رسد. در قطعنامه^۱ استقرار نظم نوین اقتصادی بین‌المللی، با اشاره به وجود نابرابری در ثروت و دسترسی به تکنولوژی در بین دولت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه (A/RES/S-6/3201, 1974, Para. 1)، نظم اقتصادی بین‌المللی موجود ناکارآمد اعلام شده و جهان نیازمند برقراری نظم اقتصادی نوین اعلام می‌شود (A/RES/S-6/3201, 1974, Para. 2). از دید تدوین‌کنندگان قطعنامه، به‌منظور تضمین رشد و توسعه اقتصادی برای تمامی اعضای جامعه بین‌المللی، ضرورت دارد تا بر اصول ذیل بنیانگذاری شود؛ اصولی که در زمره^۳ مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از تضمین برابری دولت‌ها و حق بر تعیین سرنوشت مردم (A/RES/S-6/3201, 1974, Para.4.a)، حاکمیت دائمی^۴ و کامل دولت‌ها بر منابع طبیعی واقع در قلمرو خویش همچنین بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی صورت‌گرفته در آن قلمرو (A/RES/S-6/3201, 1974, Para.4.E)، حق دولت‌ها در تعیین آزادانه نظام اقتصادی و اجتماعی موردنظر خود در مسیر توسعه، گسترش همکاری بین‌المللی برای حل مشکلات اقتصادی جهانی (A/RES/S-6/3201, 1974, Para.4.C) نام برد.

منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، با تفصیل بیشتری به اصول مطرح‌شده در چارچوب نظم اقتصادی موردنظر دولت‌های در حال توسعه می‌پردازد. بخش مهمی از مواد منشور مذکور به تبیین عناصر ضروری برای تحقق حق بر تعیین سرنوشت اقتصادی از دیدگاه دولت‌های در حال توسعه و آنچه از آن با عنوان نابرابری جبران‌ساز^۴ یاد می‌شود، اختصاص یافته است. در ماده^۱ منشور، مجدداً بر حق دولت‌ها در انتخاب آزادانه نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود در مطابقت با خواست مردم آنها تأکید شده است؛ مسئله‌ای که در ماده^{۵۷} هم به آن اشاره شده است و رکنی اساسی در تحقق حق بر

1. Declaration on the Establishment of a New International Economic Order

2. Charter of Economic Rights and Duties of States.

۳. حاکمیت مفهومی نه چندان مدرن است که در مفهوم نوین از آن توانایی یک دولت بر اعمال سلطه بر سرزمین خود و

همچنین نمایندگی از مردم و سرزمین خویش نزد جامعه بین‌المللی مستفاد می‌شود. برای اطلاعات بیشتر ر.ک:

Crawford, James.R.(2012), Brownlie,s Principles of Public International Law, 8th Edition, Oxford: Oxford University Press, pp.447-448

4. Compensating Inequality

۵. در ماده^۷ نیز مسئولیت اصلی دولت‌ها در ارتقای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم خود و به‌تبع آن آزادی عمل

تعیین سرنوشت اقتصادی به‌شمار می‌رود (A/RES/29/3281, 1974, Art. 1). در همین چارچوب، بسیاری از مواد دیگر منشور هم به دیگر اصول مرتبط با تضمین حق بر تعیین سرنوشت اقتصادی اختصاص یافته است. در بند ۱ ماده ۲، حاکمیت کامل و دائم دولت‌ها بر مالکیت، استخراج و به‌کارگیری ثروت‌ها و منابع طبیعی خویش و در بند ۲ همان ماده حق دولت‌ها بر نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌های چندملیتی مورد تأکید قرار گرفته است (A/RES/29/3281, 1974, Art. 2).

۲.۳. نظم نوین اقتصادی بین‌المللی و تأکید بر حاکمیت کامل دولت‌ها بر منابع طبیعی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نظم نوین اقتصادی موردنظر دولت‌های در حال توسعه دربرگیرنده گستره‌ای از اصول مختلف است که در این میان به‌نظر می‌رسد اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی جایگاهی اساسی به خود اختصاص داده است. حاکمیت دائم بر منابع طبیعی به‌عنوان محور اصلی مطالبات دولت‌های در حال توسعه در چارچوب حقوق بین‌الملل توسعه مطرح شده است، منابعی که با وجود دارا بودن جایگاه حیاتی در پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، در بسیاری موارد به‌دلیل بقای پیوندهای استعماری دوران گذشته، همچنان در اختیار دولت‌های استعماری سابق و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به آنها باقی مانده بودند. بنابراین بخش بزرگی از تلاش دولت‌های در حال توسعه، به تحکیم حاکمیت بر آنها معطوف شد (شمسایی، ۱۳۸۵: ۱۳).

تصویب قطعنامه ۶۲۶ مجمع عمومی در ۱۹۵۲ با عنوان قطعنامه حق بهره‌برداری آزادانه از منابع و ثروت‌های طبیعی^۱ را باید در زمره اولین تلاش‌های بین‌المللی دولت‌های در حال توسعه در مسیر تحکیم حاکمیت بر منابع طبیعی خویش برشمرد (Schrijver, 1995: 38). روند مذکور پس از آن سیر شتابان‌تری به خود گرفته است، به‌نحوی که در سال‌های ۱۹۶۲، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۸ به‌ترتیب سه قطعنامه ۱۸۰۳ (مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲)، ۲۱۵۸ (مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۶۶) و ۳۳۸۶ (مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۶۸) با موضوع شناسایی حاکمیت دائم دولت‌ها بر منابع طبیعی خود در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب می‌رسد و در ۱۱ دسامبر ۱۹۶۹ قطعنامه ۲۵۴۲ با عنوان اعلامیه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی^۲ تصویب می‌گردد.

شناسایی حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود نه‌تنها در اسناد حقوق بشری الزام‌آوری همچون میثاقین حقوق بشر ۱۹۶۶ (ماده ۱ مشترک) به رسمیت شناخته شده، بلکه در برخی قضایای داوری

آنها در انتخاب ابزار و اهداف، نحوه به‌کارگیری منابع همچنین اصلاحات اجتماعی و اقتصادی ضروری برای پیشرفت در مسیر توسعه فوق‌شناسایی شده است.

1. Resolution on the Right to Freely Exploit Natural Wealth and Resources
2. Declaration on Social Progress and Development.

مرتبط با ملی‌سازی صنایع نفت هم تأیید و شناسایی شده است؛ در این زمینه می‌توان به رأی داوری در قضیه لیامکو^۱ علیه دولت لیبی در سال ۱۹۷۷ (Yearbook of Commercial Arbitration, 1981:103 & 107)، رأی قضی G امین‌اوایل^۲ علیه دولت کویت در سال ۱۹۸۲ (ILM 976, 1982:1117-1120.21) اشاره کرد.

بر مبنای آنچه اشاره شد، می‌توان گفت که امروزه اصل اعمال حاکمیت آزادانه دولت‌ها بر منابع طبیعی و برنامه‌های ملی توسعه در حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته (Parmar, 2019: 2) با وجود این دامنه و حدود اختیار دولت‌ها در اعمال این حاکمیت از مناظر گوناگونی همچنان قابل بحث است؛ در این میان به نظر می‌رسد که میزان آزادی دولت‌ها در اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی و برنامه‌های ملی توسعه خویش، به سبب به وجود آمدن برخی آثار فرامرزی منفی بر محیط زیست دیگر جوامع که به نوبه خود می‌تواند تبعات مخربی بر منابع مورد نیاز این جوامع در پیشبرد مسیر توسعه پایدار با محوریت تضمین حقوق بشر اعضای جامعه به دنبال داشته باشد، از جمله مواردی است که نیازمند بررسی جدی خواهد بود.

۴. رویکرد حقوق بشر محور در توسعه پایدار و آثار فرامرزی اعمال حاکمیت کامل دولت‌ها بر منابع طبیعی و برنامه‌های ملی توسعه

پس از توضیحات ارائه شده در مورد مفهوم حقوق بین‌الملل توسعه، وقت آن فرا رسیده تا مناسبات احتمالی میان این شاخه از حقوق بین‌الملل اقتصادی با رویکرد حقوق بشر محور در توسعه پایدار ارزیابی شود. امروزه آثار منفی عدم رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در اجرای برنامه‌های توسعه بر حقوق بشر افراد، سبب شده تا لزوم رعایت این ملاحظات با تضمین حقوق بشر شهروندان جامعه به صورت توأمان مورد توجه قرار گیرد، به نحوی که هرگونه تأکید بر رعایت ملاحظات زیست‌محیطی در فرایند توسعه همراه با اشاره به لزوم تحقق مصادیق حقوق بشر تأثیر پذیرنده از آن صورت می‌پذیرد. نکته مهم آنکه به نظر می‌رسد ضرورت پیوند رعایت ملاحظات زیست‌محیطی با رعایت حقوق بشر در فرایند توسعه، سبب‌ساز ایجاد محدودیت‌هایی در اعمال برخی از مهم‌ترین اصول مورد تأکید در حقوق بین‌الملل توسعه، مانند حاکمیت مطلق دولت‌ها بر بهره‌برداری از منابع طبیعی خویش همچنین اختیار کامل آنها در تنظیم و پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی خود شده است.

فرامرزی شدن آثار سوء تخریب محیط زیست و به تبع آن وارد آمدن لطمه به محیط زیست و منابع

1. Libyan American Oil Company (LIAMCO).

2. American Independent Oil Company (AMINOIL).

طبیعی حیاتی برای توسعه در جوامع دیگر، ضرورت رعایت ملاحظات زیست‌محیطی از جانب دولت‌ها هنگام اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی و استفاده از این منابع در مسیر برنامه‌های توسعه ملی را دوچندان ساخته است. البته توجه به مسئولیت دولت‌ها در زمینه نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی صورت‌گرفته در قلمرو خویش، به‌منظور جلوگیری از آسیب‌رسانی آنها به جوامع دیگر، مسئله‌ای کاملاً جدید نبوده، به‌نحوی که از دهه‌ها قبل و برای مثال در رأی داوری قضیه ترایل اسملتر^۱ هم به آن اشاره شده است. از دید داوران قضیه مزبور با توجه به آنکه دولت‌ها همیشه موظف به حفاظت از دیگر دولت‌ها در برابر اعمال زیانبار افراد تحت صلاحیت خود هستند (Trail Smelter Case, 2006: 1963)، دولت کانادا نیز به موجب تعهدات بین‌المللی خویش، در خصوص تأثیر مخرب فعالیت‌های آلوده‌کننده کارخانه ترایل اسملتر بر فعالیت‌های کشاورزی ساکنان مناطق واقع در آن سوی مرز کانادا و آمریکا مسئول است، بنابراین موظف به کنترل اقدامات شرکت مزبور در مطابقت با تعهدات کانادا بر طبق حقوق بین‌الملل است. به‌عبارت دیگر، از دید داوران، «به موجب حقوق بین‌الملل و...، تا هنگامی که انجام فعالیت... موجب خسارت در قلمرو کشور دیگر یا ایراد ضرر به اموال اشخاص مقیم در آن کشور شود، به‌طوری که عواقب جدی در برداشته و وقوع آن مستند به دلایل روشن و متقن باشد، هیچ دولتی حق بهره‌برداری یا تجویز بهره‌برداری از قلمرو خود را برای انجام آن فعالیت نخواهد داشت» (Trail Smelter Case, 2006: 1965-66).

برجسته‌ترین محصول رأی داوری ترایل اسملتر را باید اصل «استفاده غیر زیانبار از سرزمین»^۲ محسوب کرد. به موجب اصل مذکور، دولت‌ها نباید اجازه دهند که استفاده از سرزمین آنها به ورود خسارت محیط زیستی به کشورهای دیگر منتهی شود؛ این اصل نتیجه منطقی توسعه مفهوم «حاکمیت» دولت است و اساساً به‌عنوان عامل ایجاد توازن، میان حقوق و منافع حاکمیتی دولت مولد آلودگی از یک سو و منافع دولت‌های تحت تأثیر آلودگی، از سوی دیگر عمل می‌کند (وئوقی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۶).

در دهه‌های اخیر ضرورت توجه به آثار نامطلوب فرامرزی فعالیت‌های اقتصادی انجام‌گرفته در فرایند توسعه بر محیط زیست، مورد توجه بیشتری واقع شده است. در این زمینه، علاوه بر ضرورت عدم استفاده از قلمرو یک دولت به‌منظور فعالیت‌های آلاینده هوا یا تبعات فرامرزی، عدم انجام فعالیت‌های دارای تبعات فرامرزی نامطلوب بر محیط زیست در حوزه‌هایی همچون منابع آبی، حفاظت از حیات وحش و آبزیان هم مورد توجه قرار گرفته است (Gupta & Schmeier, 2020: 736).

در این زمینه می‌توان به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع

1. Trail Smelter.
2. Principle of Non-harmful Use of Land

بین‌المللی شناسایی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر مناسبات بین‌المللی، در قضایای کارخانه‌های خمیر کاغذ و اختلاف مرزی نیکاراگوئه و کاستاریکا اشاره کرد.

دیوان در جریان رسیدگی به اختلاف اروگوئه و آرژانتین در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ، در ابتدا همانند رأی گابچیکو ناگی ماروس، بر لزوم وجود تعادل بین نیاز و هدف اقتصادی مدنظر در هرگونه بهره‌برداری از منابع طبیعی با ملاحظات زیست‌محیطی و در نتیجه ضرورت خودداری از هرگونه آسیب‌رسانی به محیط زیست تأکید کرده (International Court of Justice, 2010: Para. 175)، سپس با استناد به مفهوم توسعه پایدار، هرگونه استفاده اقتصادی از منابع آبی مشترک بین اروگوئه و آرژانتین در رودخانه مرزی اروگوئه را تنها زمانی قابل قبول، معقول و عادلانه اعلام می‌دارد که در آن منابع طرف دیگر از جمله ملاحظات محیط زیستی مدنظر وی رعایت شده باشد (ICJ, 2010: Para. 177). در همین زمینه، دیوان در قضیه فعالیت‌های نیکاراگوئه در مناطق مرزی با کاستاریکا، به‌صراحت به وجود یک تعهد بین‌المللی برای دولت‌ها در ارتباط با ارزیابی آثار زیست‌محیطی برون مرزی ناشی از فعالیت‌های صنعتی صورت‌گرفته در درون قلمرو خود بر دیگر دولت‌ها اشاره کرده است (ICJ, 2015: Para. 104). از دید دیوان، در صورت وجود آثار مخرب محیط زیستی برون مرزی، دولت‌ها نه تنها موظف به اطلاع‌رسانی و مشورت با دولت آسیب‌دیده‌اند، بلکه می‌بایست تمامی اقدامات ضروری به‌منظور جلوگیری از خطرهای به‌وجودآمده و یا کاهش در میزان شدت آنها را اتخاذ کنند (ICJ, 2015: Para. 104).

بر مبنای آنچه از نظر دیوان در آرای فوق برمی‌آید، نتیجه گرفته می‌شود که در جامعه بین‌المللی امروز دیگر نمی‌توان حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود و استفاده از آنها در برنامه‌های توسعه ملی را اختیاری مطلق و نامحدود تلقی کرد. به دیگر سخن، امروزه رعایت ملاحظات مرتبط با توسعه پایدار مبنی بر ادغام ملاحظات زیست‌محیطی با ملاحظات اقتصادی در برنامه‌های توسعه، نه تنها در سطح داخلی، بلکه در حوزه حقوق بین‌الملل اقتصادی و روابط اقتصادی بین دولت‌ها نیز به‌صورت یک ضرورت درآمده است؛ آن هم به‌نحوی که دولت‌ها را ملزم به ارزیابی آثار محیط زیستی احتمالی بهره‌برداری از منابع طبیعی خویش در ارتباط با دیگر جوامع می‌نماید (شمسایی، ۱۳۸۵: ۲۲). چنین توجهی محدودکننده آزادی مطلق دولت‌ها در اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی خود به‌شمار می‌رود و به‌نظر می‌رسد که قابل تعمیم به دیگر حوزه‌های مرتبط با توسعه مانند تدوین و طراحی برنامه‌های توسعه ملی است.

تأکید بر ضرورت در نظر گرفته شدن آثار محیط زیستی فرامرزی ناشی از بهره‌برداری از منابع طبیعی به آرای دیوان منحصر نشده و حتی پیش از اظهار نظر دیوان، در اسنادی همچون کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۱ نکته مهم در این میان آنکه، مفهوم عدم استفاده از قلمرو یک دولت در فعالیت‌های موجد خسارت فرامرزی محیط زیستی، اقتضای آن دارد تا چنین ممنوعیتی، صرف‌نظر همجواری یا عدم همجواری دولت آسیب‌دیده با دولت مزبور در نظر گرفته شود (Brunne'e, 2020: 121).

در این چارچوب، شاید بتوان تأثیرات منفی احتمالی حاکمیت نامحدود دولت‌ها در چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی و یا هدایت مسیر توسعه ملی بر حقوق بشر مردم جوامع دیگر را بیش از هر جای دیگری در ایجاد معضلی با نام تغییرات آب‌وهوایی جهانی^۲ مشاهده کرد. منظور از تغییرات آب‌وهوایی، تغییرات محیط زیستی شامل زوال و تخریب زیست‌کره زمین، بر اثر فعالیت‌های انسانی همچون انتشار گازهای گلخانه‌ای و افزایش دمای جهانی است (طیبی و ضرابی، ۱۳۹۷: ۱۶۴). امروزه تغییرات آب‌وهوایی به خطری جدی و آشکار برای تمتع انسان از حقوق بشر خود تبدیل شده است و در نتیجه تلاش برای کاستن آثار منفی پدیده ذکرشده بر حقوق بشر، نیازمند اتخاذ راهکارهایی کارآمد خواهد بود (Ugochukwu, 2015: 2).

تغییرات آب‌وهوایی را می‌توان مصداق کاملی از تأثیرگذاری منفی اتخاذ سیاست‌های یکجانبه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی همچنین در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه ملی، بر پیشبرد موفقیت‌آمیز مسیر توسعه در جوامع دیگر دانست. دولت‌هایی که در مسیر توسعه، با تکیه بر سوخت‌های فسیلی حاصل از منابع هیدروکربن، حجم زیادی از گازهای گلخانه‌ای را در جو زمین آزاد می‌کنند و با افزایش دمای کره خاکی، تغییرات نامطلوب گسترده‌ای در آب‌وهوای سرتاسر کره زمین حتی هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای قلمرو خود سبب می‌شوند. همان‌گونه که کمیسر عالی حقوق بشر وقت ملل متحد خانم پانسیری^۳ در جریان نشست شورای حقوق بشر با موضوع بررسی تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی بر حقوق بشر در سال ۲۰۱۵ اعلام کرده، شواهد حاکی از آن است که بیشترین صدمات ناشی از تغییرات آب‌وهوایی را نه جوامع تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای، بلکه جوامعی متحمل می‌شوند که خود کمترین مسئولیت را در تولید این گازها بر عهده داشته‌اند (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2015: 6).

تغییرات آب‌وهوایی با ایجاد توفان‌های سهمگین، باران‌های سیل‌آسا و خشکسالی‌های شدید، به

۱. ماده ۱۹۳ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر کرده است:

دولت‌ها با در نظر گرفتن وظیفه‌ای که در قبال حفاظت و نگهداری از محیط زیست دریایی دارند، واجد حق حاکمیت به‌منظور بهره‌برداری از منابع طبیعی در مطابقت با سیاست‌های زیست‌محیطی خود هستند.

2. World Climate Change.

3. Flavia Pansieri

تهدیدی جدی برای حیات میلیون‌ها نفر در سرتاسر کره زمین تبدیل شده، به گونه‌ای که بنابر اعلام شورای حقوق بشر ملل متحد تلفات ناشی از تغییرات مزبور در حال حاضر به‌طور میانگین بالغ بر چهارصد هزار نفر در سال تخمین زده شده و پیش‌بینی می‌شود که در صورت عدم موفقیت جامعه جهانی در کاهش آثار آن، به سالانه هفتصد هزار نفر تا سال ۲۰۳۰ افزایش پیدا کند (OHCHR, 2015: 14).

از سوی دیگر، امروزه آثار تغییرات آب‌وهوایی همچون خشکسالی، سیل، بیابان‌زایی و کم شدن منابع آبی تهدیدی جدی برای از بین رفتن محصولات کشاورزی و نابودی منابع غذایی به‌شمار می‌رود (OHCHR, 2015: 17)، به‌نحوی که بنابر اعلام بانک جهانی، تنها دو درجه افزایش سالانه در دمای زمین، بین یکصد تا چهارصد میلیون نفر را در خطر گرسنگی و سه میلیون نفر را در خطر مرگ بر اثر سوءتغذیه شدید قرار خواهد داد (World Bank, 2010: 4-5). در همین چارچوب می‌بایست به در معرض خطر قرار گرفتن سطح دسترسی افراد به آب کافی و سالم هم اشاره کرد؛ بنابر اعلام بانک جهانی افزایش دو درصدی دمای سالانه کره زمین، بین یک تا دو میلیارد نفر را در معرض عدم امکان دسترسی به آب کافی قرار خواهد داد (World Bank, 2010: 5)؛ مسئله‌ای که بنابر گفته کارگروه بین‌دولتی بررسی تغییرات آب‌وهوایی، می‌تواند در آینده موجبات ایجاد رقابت شدید برای دسترسی به منابع آب، به‌ویژه در مناطق نیمه‌خشک کره زمین را فراهم سازد (OHCHR, 2015: 17).

نکته مهم آنکه نابودی منابع تأمین مواد غذایی همچون آب یا خاک بر اثر گرم‌تر شدن کره زمین و تبعات آن نه‌تنها به‌صورتی مستقیم تهدیدکننده بسیاری از مصادیق حقوق بشر اعضای جوامع تحت تأثیر همچون حق بر حیات، حق بر دسترسی به غذا یا آب کافی و سالم به‌شمار می‌رود، بلکه به‌طور غیرمستقیم نیز عاملی مهم در ایجاد لطمه به منابع حیاتی برای توسعه جوامع تحت تأثیر تلقی می‌شود. تبعات تغییرات آب‌وهوایی ناشی از اقدامات خودسرانه سایر دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی همچنین در هدایت مسیر توسعه ملی خود، مانند خشکسالی، باران‌های سیل‌آسا، بیابان‌زایی و کاهش منابع آبی^۱ و... تهدیدی جدی برای منابع طبیعی لازم برای تولید، همچون خاک، آب و... در جوامع دیگر تحت تأثیر این تغییرات محسوب می‌شود؛ تهدیدی که با کاهش سطح پایداری منابع ضروری برای تولید، موجب می‌شود تا سطح تولیدات اقتصادی وابسته به آنها هم دچار کاهش شود. چنین کاهش تولیدی با

۱. نظر به تأثیر مخرب اعمال حاکمیت خودسرانه دولت‌ها بر منابع آبی خود، امروز نوعی توافق عمومی در میان محافل حقوق بشری در ارتباط با تعهد دولت‌ها به تضمین دسترسی به حق بر آب، نه‌تنها در درون قلمرو خود، بلکه در ارتباط با مردم دیگر جوامع که منابع آبی ایشان تحت تأثیر فعالیت‌های صورت‌گرفته در قلمرو آن دولت قرار می‌گیرد، به‌وجود آمده است (Spijkers, 2019: 709).

ایجاد مشکلاتی همچون کمبود مواد غذایی و گسترش بیکاری (به‌ویژه در ارتباط با افراد شاغل در حوزه‌هایی مانند بخش کشاورزی) و به‌تبع آن افزایش فقر در جوامع تحت تأثیر، مانعی بسیار مخرب و بازدارنده در برابر اجرای موفق توسعه حقوق بشرمحور که با هدف افزایش سطح تولید اقتصادی و بالا بردن سطح دسترسی شهروندان به حقوقی همچون حق بر غذا یا حق بر اشتغال مناسب و آزادی و رفاه ناشی از آنها اجرا می‌شوند، خواهد بود؛ وضعیتی که در نهایت با ایجاد اختلال در مسیر توسعه حقوق بشر جوامع مذکور، موجبات عدم افزایش سطح برخورداری شهروندان آنها از حقوق بشر را فراهم خواهد کرد (Agenda 21, 1992: Chapter.3.para.3.2).

صرف نظر از این آثار مخرب تغییرات آب‌وهوایی بر منابع مورد نیاز برای موفقیت برنامه‌های توسعه یک جامعه، تغییرات مذکور با وادار کردن جوامع تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به صرف میلیاردها دلار در جهت مقابله با تبعات این تغییرات، نقش مخرب دیگری در منحرف کردن منابع مالی مذکور از مصرف در راه بسط‌سازی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم جوامع مذکور ایفا می‌نمایند؛ منابعی که در صورت عدم نیاز برای صرف در جهت مقابله با تبعات تغییرات آب‌وهوایی، می‌توانستند به‌عنوان عاملی مهم در راه پیشبرد برنامه‌های توسعه حقوق بشرمحور به کار گرفته شوند و به نوبه خود با تسریع در روند برنامه‌های مزبور، نقشی تسهیل‌کننده در افزایش سطح دسترسی افراد به رفاه و امکانات بیشتر همچنین سطح بالاتری از برخورداری از مصادیق حقوق بشر، ایفا کنند (OHCHR, 2015: 16).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود محدودیت ایجادشده بر اثر تغییرات آب‌وهوایی در سطح استیفای افراد از حقوق بشر خویش بسیار جدی است و آثار منفی آن تهدیدکننده هریک از مصادیق حقوق بشر ذکرشده محسوب می‌شود (OHCHR, 2015: 15). مسئله‌ای که از دید تدوین‌کنندگان سند ۲۰۳۰ و اهداف هفده‌گانه آن نیز به دور نمانده و بر همین اساس هدف ۱۳ از اهداف توسعه پایدار به مسئولیت همگانی دولت‌ها برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی اختصاص یافته است.

بر مبنای آنچه گفته شد، امروزه فرامرزی شدن تبعات عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی توسط دولت‌ها در نحوه پیشبرد مسیر توسعه جامعه خویش، حقوق بین‌الملل توسعه را در ارتباطی مستقیم با توسعه پایدار قرار داده است؛ تأثیر منفی عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی توسط یک دولت در نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی و پیشبرد برنامه‌های توسعه خویش بر منابع حیاتی مورد نیاز برای توسعه جوامع دیگر، می‌تواند با لطمه وارد آوردن به این اصلی‌ترین بستر مورد نیاز در اجرای برنامه‌های توسعه با محوریت تحقق حقوق بشر، به مانعی جدی بر سر راه محقق شدن این حقوق در جوامع تحت تأثیر قرارگرفته تبدیل شود. وضعیت مذکور، بازنگری و ایجاد محدودیت در برخی از مهم‌ترین قواعد کلاسیک

حقوق بین‌الملل توسعه، همچون آزادی کامل دولت‌ها در چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی خود همچنین در تعیین نحوه پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی خویش را به‌منظور مطابقت با ملاحظات محیط زیستی و در جهت تضمین حفاظت از منابع حیاتی مورد نیاز برای پیشبرد توسعه حقوق بشر محور جوامع دیگر و به‌تبع آن تضمین مصادیق حقوق بشر مردم آن‌ها، ضروری می‌نماید.^۱

۵. نتیجه‌گیری

در چارچوب توسعه پایدار ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه به‌صورت توأمان مورد توجه قرار گرفته است تا با پایدار نگاه‌داشتن منابع مورد نیاز برای توسعه، امکان تداوم برخورداری از مواهب آن برای نسل حاضر و نسل‌های آینده تضمین شود. در این میان وجود رابطه‌ای عمیق و دوسویه میان رعایت ملاحظات محیط زیستی با رعایت حقوق بشر در فرایند توسعه آشکار می‌شود که حاکی از تأثیرگذاری بسیار مخرب عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی مدنظر در توسعه پایدار بر تضمین حقوق بشر اعضای جامعه و همچنین آثار مثبت تضمین حقوق بشر شهروندان در فرایند توسعه بر رعایت استانداردهای محیط زیستی مورد توجه در توسعه پایدار است.

تخریب محیط زیست در چارچوب فعالیت‌های مرتبط با توسعه در جوامع گوناگون، نه‌تنها با آلودگی و نابودی منابع آبی، خاک و هوا، تهدیدی برای تداوم حق حیات انسان، بلکه تهدیدی جدی در زمینه تحقق تعدادی دیگر از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر همچون حق بر سلامت، حق بر غذا، حق بر آب و... محسوب می‌شود. نکته مهم آنکه بسیاری از این آثار نامطلوب محیط زیستی، با وجود پیوند مستقیم با نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی همچنین نحوه پیشبرد برنامه‌های توسعه یک دولت، دارای ابعادی فراتر از درون مرزهای دولت مذکور است و تأثیر منفی مستقیمی بر تلاش‌های صورت گرفته در مسیر پیشبرد رویکرد حقوق بشری مدنظر در توسعه پایدار مبنی بر تحقق حقوق بشر در فرایند توسعه، در جوامع تحت تأثیر این آثار زیانبار خواهد داشت. مسئله‌ای که موجب می‌شود تا هنگام ارزیابی تأثیرات محیط زیستی

۱. متأسفانه علی‌رغم اهمیت تغییرات آب‌وهوایی بر حقوق بشر، تا کنون در هیچ یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با مقابله با این تغییرات، یعنی چارچوب کنوانسیون سازمان ملل در تغییرات اقلیمی (United Nations Framework Convention on Climate Change) و پروتکل کیوتو (Kyoto Protocol) به این مسئله اشاره نشده است.

برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

Understanding Human Rights and Climate Change, Submission of the Office of the High Commissioner for Human Rights to the 21st Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change, Paris, 30 November to 12 December 2015.

عملکرد دولت‌ها بر تضمین حقوق بشر در چارچوب گفتمان توسعه پایدار، بررسی آثار برون‌مرزی اعمال حاکمیت مطلق دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی همچنین در تنظیم و پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی خود، بر محیط زیست جوامع دیگر و به تبع آن حقوق بشر اعضای آنها، از جمله مهم‌ترین موارد نیازمند بررسی تلقی شود.

ایده برخورداری دولت‌ها از حاکمیت مطلق در بهره‌برداری از منابع طبیعی خویش، به دلیل دارا بودن جایگاه حیاتی در پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، به‌منزله یکی از محورهای اصلی مطالبات این دولت‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل توسعه و به‌عنوان رکن اساسی در تضمین اختیار این دولت‌ها در پیشبرد توسعه مردم خود در مسیر دلخواه مطرح شده است؛ بنابراین بخش بزرگی از تلاش دولت‌های مزبور، به تحکیم حاکمیت آزادانه خویش در تعیین چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی جوامع خویش و به تبع آن امکان هدایت برنامه‌های ملی توسعه خود متمرکز شده است؛ تلاش‌هایی که به نظر می‌رسد موجب شده است تا حق دولت‌ها در اعمال این نوع حاکمیت در حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش قرار گرفته باشد. با وجود این به نظر می‌رسد که اعمال حاکمیت مذکور از جانب دولت‌ها را باید مشمول پاره‌ای محدودیت‌ها در نظر گرفت. آثار فرامرزی عدم رعایت ملاحظات محیط زیستی توسط دولت‌ها در نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی و پیشبرد برنامه‌های توسعه خویش بر محیط زیست جوامع دیگر که منبعی حیاتی برای تضمین تحقق حقوق بشر مردمان آنها در فرایند توسعه به‌شمار می‌رود، می‌تواند با لطمه وارد آوردن به این بستر مورد نیاز در پیشبرد توسعه پایدار با رویکرد حقوق بشری، به مانعی جدی بر سر راه تحقق حقوق بشر مردم این جوامع تبدیل شود؛ شرایطی که آثار منفی تغییرات آب‌وهوایی ناشی از تخریب محیط زیست در سطح جهانی، مانند خشکسالی، بیابان‌زایی، آلوده شدن منابع آبی، آلودگی هوا، به زیر آب رفتن مناطق ساحلی بر اثر گرم‌تر شدن دمای زمین و آب شدن یخچال‌ها و در نتیجه در معرض نابودی قرار گرفتن منابع طبیعی لازم برای توسعه پایدار، همچون خاک، آب و... نمونه آن است و در جوامع تحت تأثیر موجبات مورد تهدید واقع شدن جدی تضمین حقوقی همچون حق بر غذا، حق بر آب، حق بر اشتغال، حق بر حیات را در هر تکاپویی برای توسعه فراهم خواهد کرد. چنین شرایطی ایجاد محدودیت در آزادی کامل دولت‌ها در چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی خود همچنین در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه ملی را به‌منظور مطابقت با ملاحظات محیط زیستی و در نتیجه تضمین حفاظت از منابع طبیعی حیاتی مورد نیاز جوامع دیگر برای پیشبرد توسعه پایدار و حقوق بشر محور، به امری ضروری تبدیل می‌سازد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. کولاسویا، لال کوردو؛ رایبسون، نیکلاس (۱۳۹۰)، *مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست*، ترجمه سید محمد مهدی حسینی، تهران: میزان.
۲. مشهدی، علی (۱۳۹۲)، *حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی-فرانسوی)*، تهران: میزان.
۳. میرعباسی، سید باقر؛ میرعباسی، رزی (۱۳۹۵)، *جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق‌های بشری از منظر حقوق بین‌الملل*، تهران: جنگل.

ب) مقالات

۴. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، دوره جدید، ش ۶، ص ۱۴۱-۱۱۴.
۵. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ شفیق‌فرد، حسن (۱۳۹۵)، «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده»، *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی*، دوره ۵، ش ۱، ص ۲۷۱-۲۴۱.
۶. زاهدی، شمس‌السادات؛ نجفی، غلامعلی (۱۳۸۵)، «بسط مفهومی توسعه پایدار»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۰، ش ۴، ص ۷۶-۴۳.
۷. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۱)، «حقوق بین‌الملل توسعه پایدار: از آرمان تا واقعیت»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، ش ۲، ص ۷۳-۴۴.
۸. شمسایی، محمد (۱۳۸۵)، «حقوق بین‌الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار»، *مجله پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۸، ش ۱۹، ص ۲۵-۷.
۹. شیرازیان، شیرین؛ حیدری، فلورا (۱۳۹۸)، «حق بر محیط زیست سالم: لازمه تحقق حق حیات از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، در مجموعه مقالات بیست‌وچهارمین همایش ملی انجمن متخصصان محیط زیست و چهاردهمین جشنواره توسعه سبز، تهران، *انجمن متخصصان محیط زیست ایران*، ص ۲۰-۱ (قابل دسترسی در <https://civilica.com/doc/1016362>).
۱۰. طیبی، سبحان؛ ضرابی، مهناز (۱۳۹۷)، «دیپلماسی محیط زیست و تغییرات اقلیمی: راهبردی سازنده و رهیافتی کاهنده»، *فصلنامه انسان و محیط زیست*، ش ۴۷، ص ۱۷۰-۱۵۹.
۱۱. فیروزپور، کوثر (۱۳۹۷)، «گستره مسئولیت محقق در برابر خسارات زیست‌محیطی ناشی از تحقیقات دانشگاهی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، دوره ۱۷، ش ۳۵، ص ۲۶۲-۲۴۳.
۱۲. وثوقی‌فرد، بابک (۱۳۹۲)، «قضیه سمپاشی هوایی (اکوادور علیه کلمبیا) تریل اسملتر قرن بیست‌ویکم؟»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۷، ص ۱۵۸-۱۳۹.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Bedjaoui, Mohammed (1979), *Toward a New International Economic Order*, Paris, Unesco.
2. Crawford, James.R (2012), *Brownlie,s Principles of Public International Law*, 8th Edition, Oxford, Oxford University Press.
3. Sands, Philippe, Peel, Jacqueline and Others (2012), *Principles of International Environmental Law*, Third Edition, New York, Cambridge University Press.

B) Articles

4. Adel Ghorani, Azam & Bamdad Riahi-Zanjai. (2016), "Effects of air pollution on human health and practical measures for prevention in Iran", *Journal of Research in Medical Sciences*, Vol.21, No.65, pp.1-12.
5. Brunne'e, Jutta. (2020), "International Environmental Law and Climate Change: Reflections on Structural Challenges in a "Kaleidoscopic" World", *Georgetown Environmental Law Review*, Vol. 33, Issue.1, pp.113-134.
6. Emas, Rachel (2015), "the Concept of Sustainable Development: Definition and Defining Principles". Available at: https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5839GSDR%202015_SD_concept_definiton_rev.pdf
7. Gupta, Joyeeta & Schmeier, Susanne (2020). "Future Proofing the Principle of no Significant Harm", *International Environmental Agreements*, Vol.20, No.4, pp. 731-747
8. Parmar, Swati Singh (2019). "Sovereignty and Trans-Boundary Environmental Issue: A search for Co-Existence". *Dharmashastra National Law University*. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3328086
9. Spijkers, Otto (2020), "the No Significant Harm Principle and the Human Right to Water". *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, vol.2, Issue.4, pp.699-712
10. Ugochukwu, Basil (2015), "Climate Change and Human Rights: How? Where? When?". *Centre for International Governance Innovation*. (CIGI), Papers, No. 82, Waterloo: Canada.

C) Reports

11. Akram, Zamir (2017), Report of the Working Group on the Right to Development on its Eighteenth Session, A/HRC/36/35, Human Rights Council, Geneva, Switzerland.
12. Elver, Hilal (2017), Report of the Special Rapporteur on the Right to Food, A/HRC/34/48, Human Rights Council.
13. Knox, John H. (2013), Report of the Independent Expert on the Issue of Human Rights Obligations Relating to the Enjoyment of a Safe, Clean, Healthy and Sustainable Environment, A/HRC/25/53, Human Rights Council.
14. OHCHR (2015), Understanding Human Rights and Climate Change, Submission of the Office of the High Commissioner for Human Rights to the 21st Conference of the Parties to the United Nations Framework Convention on Climate Change, Paris

15. the World Commission on Environment and Development. (1987), Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future, Oxford University Press, New York, USA.
16. the Centre for International Sustainable Development Law (CISDL) (2002), International Human Rights and International Sustainable Development Law, for the World Summit on Sustainable Development Johannesburg. Montreal, Canada.
17. United Nations High Commissioner for Human Rights (2009), Annual Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights and Reports of the Office of the High Commissioner and the Secretary-General, A/HRC/10/61, Human Rights Council.
18. World Bank (2010), World Development Report 2010: Development and Climate Change, , Washington D.C, USA

D) Thesis

19. Schrijver, Nico. (1995), Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties in an Interdependent World, Thesis for Ph. D in Public International Law, University of Groningen, Groningen: Netherlands.

E) Judgments

20. Ad Hoc Tribunal, Libyan American Oil Co (LIAMCO) v. The Government of the Libyan Arab Republic, 12 April 1977, Yearbook of Commercial Arbitration, Vol.VI, Kluwer Law International, 1981
21. Ad-Hoc-Award, Kuwait v. The American Independent Oil Company (AMINOIL), 21 ILM 976, 24 March 1982
22. ICJ, Case Concerning the Pulp Mills on the River Uruguay, Argentina v. Uruguay, Judgment of 20 April 2010
23. ICJ, Certain Activities Carried out by Nicaragua in The Border Area, CostaRica v. Nicaragua and Construction of a Road in CostaRica along The San Juan River, Nicaragua v. CostaRica, Judgment of 16 December 2015
24. Trail Smelter Case (USA v Canada), 11 March 1941, Reports of International Arbitral Awards, Vol.III, United Nation, 2006
25. The Inter-American Court of Human Rights, the Environment and Human Rights, Advisory Opinion OC-23/17, 15 November 2017

F) Documents

26. A/RES/2200 A (XXI), 1966
27. A/RES/S-6/3201, 1974
28. A/RES/29/3281, 1974
29. Paris Agreement on Climate Change, 12 December 2015.
30. United Nations Conference on Environment & Development, Agenda 21, 1992